

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال هشتم - پاییز ۱۴۰۵ - شماره ۲۷ - ص ۴۳-۵۲

بررسی قرآنی راه‌های نفوذ و تاثیر شیطان بر انسان

محمدفرهادی^۱

چکیده

شیطان دشمن قسم خورده جبهه حق است که پس از رانده شدن از درگاه الهی به سبب تکبر و خود بزرگ بینی، برای گمراه کردن انسان‌ها سوگند یاد کرده و هرگز در راه این هدف خسته نمی‌شود. این دشمن با تدابیر و روش‌های گوناگونی وارد عمل می‌شود و از راه‌های مختلفی اهداف و مقاصد خود را پیش می‌برد و در برخی انسان‌ها نفوذ می‌کند و بر آن‌ها موثر واقع می‌شود و برنامه‌ها و توطئه‌های خود را پیاده می‌سازد. شناخت هریک از این حربه‌ها انسان را در مقابله و ایستادگی نمودن در برابر این دشمن سرسخت یاری می‌نماید و موجب می‌شود تا در مواجهه با هریک از این روش‌های نفوذ و تاثیر، غافل گیر و فریب خورده نشده و سربلند از آن بیرون بیاید؛ در این نوشتار با عنایت به منابع کتابخانه‌ای به بیان راه‌های نفوذ و تاثیر شیطان بر انسان با توجه به آیات قرآن کریم پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شیطان، دشمن، وسوسه، غفلت، قرآن

^۱ - کارشناسی ارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

هدف و غایت اصلی از آفرینش انسان طبق بیان قرآن کریم عبادت و شناخت خداوند می‌باشد؛ آن‌جا که می‌فرماید و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاریات: ۵۶) و عبادت و معرفت پیدا کردن به ذات اقدس الهی نیازمند تلاش و جهد فراوان در این مسیر است. در واقع انسان باتقوا و مومنی که می‌خواهد قدم در مسیر رسیدن به کمال و بندگی خداوند بگذارد با موانع زیادی روبرو خواهد شد که دشمنان راه حق در مسیر او ایجاد می‌کنند. دشمنان و موانع وصال انسان به غایت و هدف آفرینشش مختلف و فراوانند که هر کدام به روشی او را در این مسیر مورد هجومه قرار می‌دهند. ابلیس که سردمدار جبهه‌ی باطل است کمر همت بر گمراهی بندگان پس از خروج از جایگاه برترش بسته است؛ آن هنگامی که به عزت و جلال خدا قسم خورد که همه‌ی بندگان تو را گمراه می‌کنم مگر بندگان مخلصت را (ص: ۸۳-۸۲) و در این راه از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌نماید و برای نفوذ در انسان‌ها روش‌های خاصی را در پیش می‌گیرد. قرآن-کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام راه‌های نفوذ شیطان را به ما معرفی کرده‌اند تا آن‌ها را شناخته و با دقت و احتیاط در رسیدن به مقصد اصلی که قرب به پروردگار متعال است قدم برداریم و با قلبی سلیم به دیدار معشوق حقیقی بشتابیم که قیامت روزی است که «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: ۸۸-۸۹) یعنی تنها منفعت بخش انسان در آن سرای جاودانی قلبی سالم است که در مقابل نفوذهای شیطانی آلوده به معصیت و غفلت از یاد خداوند متعال نشده و سالم از هرگونه عیب و نقصانی باشد. لذا آن‌چه در این مقاله به بیان آن پرداخته می‌شود بررسی راه‌های نفوذ و تاثیر شیطان بر انسان با بهره‌گیری از آیات شریفه قرآن می‌باشد.

ماهیت شیطان

ابلیس اسم خاص می‌باشد برای آن متمرّد و خارج شده از درگاه باری تعالی آن‌چنان‌که در لغت آمده است ابلیس جمع ابالیس و ابالسّه علم جنس است برای شیطان و اهریمن (بندرریگی، ۱۳۸۷، ش، ج ۱، ص ۳) اما باید توجه داشت که لفظ شیطان اسم عام می‌باشد - که ۱۸ بار در قرآن به صورت جمع آمده است- و برای هر موجود شریر و موذی به کار می‌رود و بنابر نظر عده‌ای که شیطان را از ماده شطن می‌دانند این کلمه به معنای دوری و بُعد است یعنی دور شده از حق (بندرریگی، ۱۳۸۷، ش، ج ۱، ص ۸۵۰).

ابلیس و شیاطین جنی وجودشان از آتش است و به همین سبب این گروه از مخلوقات حالتی بین جسم و مجرد دارند و می‌توانند به اشکال مختلف تمثّل کنند؛ ولی انسان موجودی دوعُدی می‌باشد یعنی هم جنبه جسمی دارد هم جنبه روحی بخلاف شیطان که وجودی مثالی و رقیق و لطیف دارد.

حال که ابلیس چنین ویژگی و شکلی دارد، برای ارتباط برقرار کردن با انسان باید از مجرای خاص وارد عمل شود و آن مجرای خاص نفس اماره انسان است که در مقابل آن نفس مطمئنّه قرار دارد. در تعریف نفس اماره گفته شده است: یعنی نفسی که بسیار امرکننده می‌باشد، نفس اماره در واقع حالتی حیوانی و

شیطانی است که بر روح حاکم می‌شود و انسان را به گناه و پستی می‌کشاند. انسانی که گرفتار نفس اماره است کارهایش بر اساس هوا و هوس می‌باشد و جز خواسته حیوانی و شیطانی خود چیزی نمی‌بیند (سهراب پور، ۱۳۹۲، ص ۳۶۷). اما از این جهت که یک موجود مثالی به صورت مستقیم نمی‌تواند با موجودات جسمانی ارتباط برقرار کند به این ارتباط مرموز بین شیطان و انسان وسوسه می‌گویند که مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: شیطان از طریق القای وسوسه در قلب، آدمی را می‌فریبد. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۰۱).

البته باید به این نکته توجه کرد که قلمرو شیطان فقط در امور تشریعی می‌باشد نه امور تکوینی که مرحوم شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«شیطان فقط در وجود بشر می‌تواند نفوذ کند نه در غیر بشر. قلمروی شیطان در وجود بشر نیز محدود است به نفوذ در اندیشه او نه تن و بدن او. نفوذ شیطان در اندیشه بشر نیز منحصر است به حدّ وسوسه کردن و خیال یک امر باطلی را در نظر او جلوه دادن. قرآن این معانی را با تعبیرهای تزیین، تسویل، وسوسه و امثال این‌ها بیان می‌کند؛ و اما این‌که چیزی را در نظام جهان بیافریند و یا این‌که تسلط تکوینی بر بشر داشته باشد، یعنی به شکل یک قدرت قاهره بتواند بر وجود بشر مسلط شود و بتواند او را بر کار بد اجبار و الزام نماید، از حوزه قدرت شیطان خارج است. تسلط شیطان بر بشر محدود است به این‌که خود بشر بخواهد دست ارادت به او بدهد» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۵).

شیطان از طرق مختلفی در انسان نفوذ می‌نماید تا او را گمراه سازد و مانع حرکتش در مسیر حق شود که در قرآن کریم و روایات معصومین به مواردی از آن‌ها اشاره شده است اما چون موضوع این نوشتار بررسی راه‌های نفوذ شیطان با بهره‌گیری از آیات شریفه قرآن می‌باشد صرفاً به مواردی اشاره می‌شود که در قرآن-کریم به آن‌ها توجه شده است.

روش‌های نفوذ شیطان در انسان

۱. وسوسه

یکی از شیوه‌های معمول شیطان برای نفوذ در انسان وسوسه کردن می‌باشد؛ بنابر نظر بعضی از مفسران آن‌چه در دل انسان می‌گذرد اگر درباره امور خیر باشد الهام است و چنان‌چه در مورد امور خیر نباشد وسواس است و اگر ترسناک باشد ایجاس نامیده می‌شود (قمی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۹). وسوسه به معنای صوت خفی یا نوعی القاء است که از طرف شیطان بر قلب انسان برای دور کردن او از خداوند ایجاد می‌شود (سهراب پور، ۱۳۹۲، ص ۳۹۱). هم‌چنین مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «وسوسه در لغت به معنای دعوت کردن به امری است به آهستگی و پنهانی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۳۹).

قرآن پیرامون وسوسه شدن آدم و حوا توسط شیطان می‌فرماید: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکِینَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِینَ»

(اعراف: ۲۰) «شیطان در صدد وسوسه آدم و حوا برآمد و برای رسیدن به این مقصود، انواع دام‌ها را بر سر راه آنان گسترد. نخست به وسوسه کردن آنان مشغول شد تا لباس‌های اطاعت و بندگی خدا را از تن آنان بیرون کند و عورت آن‌ها را که پنهان بود، آشکار سازد. برای رسیدن به این هدف، بهترین راه را در این دید که از عشق و علاقه ذاتی انسان به تکامل و زندگی جاویدان، استفاده کند و هم عذر و بهانه‌ای برای مخالفت فرمان خدا برای آنان بتراشد. آدم که نمی‌توانست باور کند کسی این چنین قسم دروغی یاد کند و چنین دام‌هایی بر سر راه او بگذارد، سرانجام تسلیم فریب شیطان شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۶). شیطان با همین دامی که برای آدم و حوا قرار داد و آن‌ها را با وعده به حیات جاویدان وسوسه نمود فرزندان آدم را نیز فریب می‌دهد و در فریب دادن و وسوسه کردن چهره خیرخواهی به خود می‌گیرد و با عبارات این چنینی درصدد نفوذ در انسان برمی‌آید. این عمل شیطان تا آن جا پیش می‌رود که شخص فریب خورده در اثر اغوای شیطان، عمل خود را نیک و حسن برمی‌شمرد و برای کار ناشایست خود، توجیهات گوناگونی مطرح می‌نماید. در همین رابطه در تفسیر نمونه ذکر شده است:

«از جمله "وسوس له" (با توجه به کلمه لام که معمولاً برای نفع و فائده می‌آید) چنین استفاده می‌شود که شیطان در وسوسه‌های خود، چهره خیرخواهی و دوستی آدم را به خود گرفت، در حالی که در جمله "وسواس الیه" چنین معنی وجود ندارد، بلکه تنها به معنی نفوذ مخفیانه در قلب کسی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۹)

۲. وعده‌های دروغین

وعده‌های دروغین یکی از کارهای مهم شیطان برای نفوذ و رخنه کردن در انسان است، به خلاف وعده‌های الهی که همیشه صادق است و محقق می‌شود که فرمود «ان الله لا یخلف المیعاد» (آل عمران: ۹). این قسم از راه‌های نفوذ شیطان، در جایگاه‌های مختلفی از زندگی خودنمایی می‌نماید، قرآن کریم می‌فرماید: «يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعْدهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (نساء: ۱۲۰) یعنی شیطان به آن‌ها وعده‌های دروغین می‌دهد؛ و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آن‌ها وعده نمی‌دهد. در تفسیر نمونه آمده است: «غرور در اصل به معنی اثر آشکار چیزی است، ولی غالباً به آثاری که ظاهری فریبنده و باطنی ناپسند دارد گفته می‌شود، و به هر چیز اعم از مال و ثروت و قدرت و مقام که انسان را بفریبد و از راه حق باز دارد مایه غرور گفته می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۳۸).

گاهی این وعده دروغین شیطانی وعده به فقر است که قرآن می‌فرماید: «الشيطان يعدكم الفقر» (بقره: ۲۸۶) یعنی این‌که شیطان با همان چهره خیرخواهانه و دلسوزانه به انسان نیرنگ می‌زند که ای انسان اگر انفاق کردی تهیدست می‌شوی و هم‌چنین گاهی وعده به عمر طولانی می‌دهد تا انسان توبه کردن را به تاخیر بیندازد و مانند این وعده‌ها که همه به جهت فریب دادن انسان است. هم‌چنین در عصر حاضر فرزندان و تابعان شیطان یعنی سردمداران دولت تروریستی آمریکا و اسرائیل به فریب و وعده‌های دروغین خود ادامه می‌دهند و خود را نجات‌گر و منجی بشر معرفی می‌نمایند در صورتی که همه وعده‌های آنان

دروغ است و هدفی جز قطع نسل و فساد در زمین ندارند که مومنین و انسان‌های خردمند هیچ‌گاه فریب وعده‌های دروغین این اشخاص را نخواهند خورد و در زمین آنان بازی نمی‌کنند.

۳. تزیین

وجدان و فطرت انسان یک آینه خدانما می‌باشد و تا زمانی که آلوده به گناه نشده باشد خوب و بد را به خوبی از هم تشخیص می‌دهد اما گاهی به علت زنگار گرفتن دل، قبح و زشتی معصیت در دل انسان توسط شیطان از بین می‌رود و چه بسا آن عمل زشت و ناپسند در قلب انسان زیبا جلوه داده شود پس گفته می‌شود یکی دیگر از شگردهای شیطان برای نفوذ در انسان زیبا نشان دادن عمل ناپسند و زشت در نزد اوست، قرآن در این باره می‌فرماید: و اذ زین لهم الشیطان اعمالهم (انفال: ۴۸) یعنی هنگامی را که شیطان، اعمال آن‌ها را در نظرشان زیبا جلوه داد. در تفسیر نمونه ذکر شده است که:

«تزیین و آرایش شیطان این چنین است که از طریق تحریک شهوات و هوس‌ها و صفات زشت و ناپسند انسان، چهره عملش را در نظرش آن‌چنان جلوه می‌دهد که سخت مجذوب آن می‌شود و آن را از هر جهت عملی عاقلانه و منطقی و دوست داشتنی فکر می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۹۹).

هم‌چنین در تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:

«زینت دادن شیطان عمل آدمی را به این است که بوسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلبا آن را دوست می‌دارد، و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقلی کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۷).

در همین موضوع نقل می‌کنند که شخصی دو انار و دو نان از دو مغازه سرقت کرد و سپس آن‌ها را به فقیر داد همین که از او پرسیدند: این چه کاری است؟ گفت: چهار چیز دزدیدم و به فقیر دادم و برای هر یک از آنها ده پاداش گرفتم! (چون قرآن می‌گوید: هر کار خیر شما ده ثواب دارد) چهار گناه از چهل ثواب کم میشود، سی و شش پاداش و ثواب می‌ماند؛ در واقع همین محاسبات و فکرها از موارد زینت دادن و زیبا نشان دادن عمل زشت توسط شیطان محسوب می‌شود، تا جایی که خود انسان فکر می‌کند که عملش بهترین عمل است لذا خداوند می‌فرماید: الذین ضل سعیمهم فی الحیاه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا (کهف، ۱۰۴). یعنی آنان کسانی هستند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

۴. عداوت و دشمنی

یکی از اموری که شیطان و استکبار همیشه از آن رنج می‌برد اتحاد و همدلی مردم با یکدیگر است. شیطان که نمی‌تواند همدلی و هم صدایی مردم را مشاهده کند مدام سعی در القاء دشمنی بین مردم را دارد و

برای اجرای این هدف از ابزارهایی جهت نفوذ در انسان‌ها استفاده می‌کند. ایجاد دشمنی و اختلاف بین مردم چیزی جز ضرر و زیان به دنبال ندارد در روایتی از امام صادق می‌خوانیم: «من زرع العداوه حصدا ما بذر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۲) یعنی هرکه تخم دشمنی بکارد، همان درود که کاشته است لذا نتیجه دشمنی کردن و اختلاف چیزی جز خودش نیست. در جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل جنایت پیشه دیده شد که دشمن سعی و تلاش زیادی را در جهت ایجاد اختلاف بین توده مردم و مسئولین انجام می‌دهد که مردم خداشناس و با ایمان ایران اسلامی هرگز فریب خدعه و نیرنگ دشمنان را نخواهند خورد. حال شیطان برای ایجاد دشمنی از راه‌های مختلفی بهره می‌برد که یکی از آن راه‌ها طبق بیان قرآن کریم شراب و قمار است که در این کتاب نورانی ذکر شده: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده، ۹۱) یعنی شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟!

در تفسیر المیزان علامه طباطبایی می‌فرماید:

«این‌که عداوت و بغضاء تنها از آثار شراب و قمار دانسته شده، از این جهت است که این اثر در آن دو ظاهرتر است؛ زیرا نوشیدن شراب باعث تحریک سلسله اعصاب می‌شود و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را به هیجان درمی‌آورد. در این حالت است که سر از رسوایی درآورده، هر فسق و فجوری را چه درباره مال و آبروی خود، چه درباره دیگران در نظرش زینت داده، او را به هتک جمیع مقدسات دینی و اجتماعی وامی‌دارد. دزدی، خیانت و دریدن پرده حیا درباره محارم خود، فاش کردن اسرار، ورود به خطرناکترین ورطه‌های هلاکت و امثال آن را در نظرش ناچیز جلوه می‌دهد. آمار ممالک به اصطلاح مترقی که نوشیدن مشروبات الکلی در بین آنان رواج دارد، نشان می‌دهد که ارقام جنایات و حوادث ناگوار در اثر نوشیدن آن بسیار وحشتناک است. اگر فردی در راه قمار پیروز شد و از این راه، مالی به دست آورد، چون این مال را به زحمت کسب نکرده، در راه صحیح هم خرج نمی‌کند. اگر در قمار مغلوب شود و مال خود را ببازد که همین بی‌پولی و زیان کاری، او را به کینه‌توزی نسبت به حریف قمارباز خود وادار می‌کند و در نتیجه، یک عمر را توأم با حسرت یا خشم و عصبانیت سپری می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۸۱).

پس این ایجاد دشمنی و عداوت از ابتکارات شیطان است تا مانع از وحدت مردم شود و از روش‌های مختلفی برای رسیدن به هدفش استفاده می‌کند تا با نفوذ در انسان تخم کینه و دشمنی را در قلب او بپاشد و او را گمراه کند اما خداوند با لطف بی‌کرانش و مهربانی همیشگی خویش، بین قلوب مومنین انس و الفت ایجاد می‌نماید و می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳). یعنی به هرگونه وسیله وحدت چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت بزرگ خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای

شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید و شما بر لبِ حفرهای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

قرآن کریم بارها به عداوت و دشمنی خودِ شیطان نیز اشاره کرده است (ر.ک؛ یس، ۶۰؛ الأعراف، ۲۲؛ البقره، ۱۶۸ و ۲۰۸؛ الأنعام، ۱۴۳؛ یوسف، ۵؛ الزخرف، ۶۲ و الإسراء، ۵۳).

۵. آرزوهای طولانی

هدف از زندگی انسان در دنیا این است که مسیر قرب الهی را بپیماید و در این راه به سر منزل مقصود برسد که عبارت است از رسیدن به کمال و سعادت ابدی؛ اما شیطان که قَسَم به عزتِ خدا خورده است که دست روی دست نگذارد و همواره در گمراه کردن بندگان بکوشد، در این راه انسان را سرگرم آرزوهای بلند و طولانی دنیوی می‌کند. مسلم است که عمر طبیعی هر انسان منافات دارد با رسیدن به آرزوهای پایان ناپذیر و هدف شیطان از سوق دادن انسان‌ها به آرزوهای بلند و طولانی مدت چیزی جز این نیست که آدمی آخرت و سرای جاودان را فراموش کرده و غرق در دنیا و آرزوهای دنیوی شود و در نتیجه از مسیر اصلی خودش که رسیدن به قرب خداست بازماند. لذا یکی از شگردهای شیطانی برای نفوذ در انسان همین آرزوهای طولانی و دور و دراز می‌باشد که خودش گفته است: «و لاضلنهم و لامنینهم» (نساء، ۱۱۹). یعنی این که و یقیناً آنان را گمراه می‌کنم، و دچار آرزوهای دور و دراز و واهی و پوچ می‌سازم. مرحوم علامه طباطبایی در المیزان در ذیل این آیه می‌فرماید:

«من انسان‌ها را از راه سرگرم کردنشان به پرستش غیر خدا و ارتکاب گناهان گمراه خواهم کرد و آنان را با اشتغال به آمال و آرزوهایی که از اشتغال به واجبات زندگی‌شان باز بدارد فریب می‌دهم، تا آنچه را که برایشان مهم و حیاتی است به خاطر آنچه موهوم و خالی از واقعیت است، رهاکنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۳۷).

هم‌چنین ملامحسن فیض کاشانی در تفسیر صافی می‌نویسد که: «وَ لَأْمَنِّيَنَّهُمْ ° الْأَمَانِي الْبَاطِلَةُ كَطُولِ الْعَمْرِ وَ انْ لَا بَعَثَ وَ لَا عِقَابَ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۰۱) یعنی مراد از آرزوها، آرزوهای باطل و دست نیافتنی است مانند عمر طولانی و هم‌چنین اعتقاد به عدم وجود جهان دیگر و عدم وجود مجازات، یعنی شیطان با القاء آرزوهای این چنینی اعتقاد به قیامت و حسابرسی پس از آن را نیز در وجود انسان محو می‌نماید.

۶. غفلت

از دیگر اموری که شیطان برای نفوذ در انسان از آن بهره می‌برد این است که شیطان موجب فراموشی یاد خدا در دل انسان می‌شود و این امر موجب خسارت و ضرر زیادی است که مربوط به ابدیت انسان می‌باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» (مجادله: ۱۹) یعنی شیطان بر آنان چیره و مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است. کلمه "استحواذ" به معنای استیلاء و غلبه

است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۳۷). در تفسیر نمونه ذیل این آیه شریفه آمده است که: «استحوذ از ماده "حوذ" (بر وزن موز) در اصل به معنی قسمت پشت ران شتر است، و از آن‌جا که ساربان به هنگام راندن شترها بر پشت ران‌های آنها می‌زند این واژه به معنی تسلط یافتن و به سرعت راندن آمده است. آری منافقان دروغ‌گو و مغرور به مال و مقام، سرنوشتی جز این ندارند که در بست در اختیار شیطان و وسوسه‌های او قرار می‌گیرند، و خدا را به کلی فراموش می‌کنند، نه تنها منحرف می‌شوند که در زمره عمال شیطان و اعوان و انصار و لشکر و حزب او برای گمراه ساختن دیگران قرار می‌گیرند» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۴۶۱). آری فراموشی یاد خداوند انسان را در زمره اهل باطل قرار می‌دهد و مانع از حرکت انسان در مسیر حق می‌شود.

۷. تشویق به نجوا

از دیگر موارد نفوذ شیطان در انسان تشویق منافقان و بیماردلان به نجواکردن و درگوشی حرف زدن آن‌ها با یکدیگر به سبب اندوهگین کردن مومنان است، به این صورت که وقتی منافقان و گمراهان کنار هم می‌نشینند شیطان آن‌ها را تشویق به نجوا می‌کند و این کار موجب ناراحت شدن مومنان می‌شود، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فليتوكل المؤمنون» (مجادله: ۱۰). یعنی همانا نجوا از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین کند، در حالی که جز به اذن خداوند، هیچ (نجوایی) ضرر رسان نیست، پس باید مؤمنان تنها بر خداوند توکل کنند. مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید:

«مراد از نجوی به طوری که از سیاق استفاده می‌شود نجوایی است که آن روز در بین منافقین و بیماردلان جریان داشته، نجوایی که از ناحیه شیطان بوده به این معنا که شیطان این عمل را در دل‌هایشان جلوه داده بود و تشویق‌شان کرده بود که با یکدیگر نجوی کنند تا مسلمانان را اندوهگین و پریشان خاطر کنند، تا خیال کنند می‌خواهد بلایی بر سرشان بیاید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۲۶).

۸. نفوذ گام به گام

یکی دیگر از راه‌های نفوذ شیطان در انسان نفوذ گام به گام است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَأْيِهَ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ...» (نور: ۲۱) یعنی ای مومنان از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام‌های شیطان پیروی کند هلاک می‌شود زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می‌دهد. خطوات جمع خطوه می‌باشد و خطوه به معنای گام و فاصله میان دو قدم است (قمی، ۱۳۸۷، ص ۹۱). از آن‌جا که یک انسان پاکدامن را شیطان در یک مرحله نمی‌تواند گمراه کند بدین جهت با نفوذ گام به گام و قدم به قدم او را تا وادی سقوط می‌کشاند، دوستی با افراد گمراه، شرکت در مجالس آنان، ارتکاب گناهان صغیره، ارتکاب گناهان کبیره و در نهایت، قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم، نمونه‌ای از گام‌های شیطان است. و لذا انسان مومن و باتقوا

برای پیشگیری از هلاکت و سقوط در وادی گمراهی در اولین دامی که شیطان برایش پهن می‌کند با یاد و ذکر الهی از آن دام خطرناک فرار کرده و مانع از نفوذ همه جانبه شیطان می‌شود.

نتیجه‌گیری:

شیطان وعده داده به صورت همه جانبه انسان را محاصره نماید و از چهارطرف او را فریب بدهد چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: « ثُمَّ لَأْتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَأَ تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ » (اعراف: ۱۷) یعنی آری بر آن راه کمین می‌کنم، آن‌گاه از پیش روی آنان و از پشت سرشان و از طرف راست و چپ‌شان به سراغ آنان می‌روم، در نتیجه بیشترشان را شکرگزار نعمت‌های خود نمی‌یابی. ولذا مهم این است که انسان فریب وسوسه‌های شیطان را نخورده و در مسیر حق ثابت قدم بماند تا به کمالات والای انسانی که هدف خلقت است دست یابد و با اعمالش رضایت حق تعالی را جلب نماید. همان‌گونه که دشمن در ایجاد یک جنگ تن به تن و یا یک جنگ فرهنگی با روش‌ها و راه‌های مختلفی وارد عمل می‌شود تا انسان را و سپاه اسلام را زمین‌گیر نماید، شیطان نیز از روش‌های گوناگونی هدف خود را دنبال می‌نماید که شناخت این شگردها موجب آمادگی برای مقابله با این دشمن قسم خورده می‌شود لذا در این نوشتار با بیان راه‌های نفوذ این دشمن قسم خورده با توجه به آیات قرآن کریم تلاشی در جهت شناخت حربه‌های شیطانی انجام پذیرفت، امید است که مورد تذکر قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- سهراب پور، همت، **واژگان شریعت**، چ اول، قم، سلمان فارسی، ۱۳۹۲ش
- طباطبایی، محمدحسین، **المیزان**، موسوی، محمدباقر، چ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش
- فیض کاشانی، محمدحسن، **الصادق**، اعلمی، حسین، چ دوم، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق
- قمی، عباس، **الدرالنظیم فی لغات قرآن العظیم**، انصاری، غلامحسین، چ سوم، تهران، بین الملل، ۱۳۸۷ش
- کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، غفاری، علی اکبر، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش
- مالوف، لویس، **المنجد**، بندریگی، محمد، چ دوم، قم، بعثت، ۱۳۹۰ش
- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ش
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش

